

## شاخصه‌های هم‌پوشانی همسران در پرتو آیه ۱۸۷ بقره

اسماعیل ملکوتی خواه\*

### چکیده

تمثیل قرآنی «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ» در آیه ۱۸۷ بقره، نمادی برای ترسیم کلی مناسبات و تنظیم روابط متقابل میان همسران است. پژوهش حاضر که در زمینه جنبه‌های لفظی و محتوایی این تمثیل کاوش نموده است، پس از تحلیل معناشناختی واژه «لباس» و کاربردهای قرآنی آن، به تبیین نکات ادبی و بلاغی این تمثیل پرداخته و شاخصه‌های «هم‌پوشانی دو سویه» بین بانوان و شوهران، مانند: معاشرت نیکو، اتحاد و یگانگی، آرامش‌بخشی، حمایت و دفاع، رازپوشی و آبروداری، آراستگی و زیانمایی، تعادل در رفتار زناشویی، تعهد عاطفی و جنسی، صیانت و مراقبت، استقلال شخصیت، التزام به حقوق و وظایف متقابل را از این بیان موجز و رسا استنباط نموده است تا الگوی رابطه همسری از منظر این آیه اثبات و جلوه‌ای از اعجاز بیانی قرآن کریم آشکار گردد.

### واژگان کلیدی

آیه ۱۸۷ بقره، لباس، روابط همسران، رفتار جنسی، تمثیل.

### طرح مسئله

قرآن کریم اثری فاخر و بی‌بدیلی است که در آن با اتکاء به دانش و حکمت بی‌پایان خلاق عالم، جلوه‌های متعالی هنر در راستای هدایت و سعادت بشر به کار گرفته شده است. معارف حیات‌بخش و آموزه‌های مترقی و انسان‌ساز آن با استخدام نیکوترین و مناسب‌ترین واژه‌ها و زیباترین ترکیب‌ها توأم گشته و قالب‌های متنوع و جذاب بیان، مانند: لطیف‌ترین تشبیه‌ها، استعاره‌ها، و کنایه‌ها بر جذابیت و دل‌ربایی اسلوب بی‌نظیر آن افزوده است تا زمینه‌های بهتری برای بهره‌مندی مردم از تعالیم و آموزه‌های آن فراهم گردد.

از این‌رو، در سبک بیانی قرآن کریم از تمثیل‌های زیبا و متنوع که در انتقال مفاهیم و مقاصد سخن، دارای قابلیت فوق‌العاده هستند، به صورت گسترده بهره گرفته شده است و همگان به تفکر و خردورزی در آنها تشویق شده‌اند. (حشر / ۲۱)

تمثیل «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ» (بقره / ۱۸۷) در مورد همسران، یکی از حکمت‌های وحیانی است که با برخورداری از نهایت ایجاز، حامل معانی ژرف و نکات اخلاقی - تربیتی متعددی است که می‌تواند الگوی ارتباطی همسران در زندگی مشترک و هندسه زناشویی را ترسیم نماید. به نظر می‌رسد چنین پرسش‌هایی قابل طرح است که چرا در این تمثیل، بانوان و شوهران لباس و تن‌پوش یکدیگر خوانده شده‌اند؟ شاخصه‌های این «هم‌پوشانی» متقابل کدام است؟ این شاخصه‌ها را چگونه از این مثل می‌توان استنباط نمود؟ آیا شاخصه‌های مستفاد از این تمثیل می‌تواند جامعیتی داشته باشد به گونه‌ای که الگوی ارتباطی همسران در زندگی مشترک را ارائه نماید؟

یادآور می‌شود با بررسی گسترده در تفاسیر فریقین و نیز کتاب‌هایی که در موضوع اعجاز بیانی یا تشبیهات و تمثیلات قرآنی نگاشته شده، مانند: *المثل السائر* از ابن‌اثیر، روشن شد مفسران و اندیشمندان علوم قرآنی نگاهی بسیار گذرا به این تمثیل داشته‌اند، هرچند نکات دقیق و اشارت لطیف خود را دریغ نداشته‌اند. افزون بر اینکه مقاله پژوهشی نیز با محوریت این تمثیل قرآنی یافت نشد. از این‌رو، محور اصلی این پژوهش که به روش تحلیلی - توصیفی و به سبک مسئله‌محور سامان یافته، استنباط شاخصه‌های «هم‌پوشانی» همسران از این تمثیل است. و ارائه الگویی نسبتاً جامع برای رابطه همسری مستخرج از این تمثیل کوتاه، مهم‌ترین نوآوری این پژوهش به‌شمار می‌آید.

این پژوهش به کاوش مختصر در نکات ادبی و بلاغی این تمثیل نیز می‌پردازد و ضرورت پرداختن به این محور از آن جهت است که ارائه الگوی رابطه همسری از این تمثیل قرآنی مبتنی بر شاخصه‌های اخلاقی، تربیتی و حقوقی است که با دقت نظر در اموری مانند: معانی حقیقی و مجازی

«لباس» که واژه محوری این تمثیل است و نیز کاربردهای قرآنی آن و وجه شبه‌ها و نظم و سیاق آیه استنباط می‌شود تا ارائه چنین الگویی در محدوده دلالت‌ها و اشارت‌های شناخته‌شده کلامی قرار گیرد و از آفت تفسیر به‌رأی و برداشت‌های ذوقی مصون بماند.

### سبب نزول آیه ۱۸۷ سوره بقره

در ابتدا ضرورت دارد سبب نزول آیه مورد بحث به‌اختصار بیان شود تا تصویر روشنی از فضای نزول این تمثیل و هدف آن ارائه گردد: در صدر اسلام یکی از احکام روزه آن بود که مفطراتی مانند: خوردن و آشامیدن و آمیزش با همسر از هنگام افطار در شب‌های ماه رمضان جایز بود، اما چون نماز عشاء برپا می‌شد یا به خواب رفتند، سپس بیدار می‌شدند باز اقدام بر این امور ممنوع بود. (رازی، ۱۴۲۰: ۵ / ۲۶۷) برخی از روایات دلالت دارد آمیزش با همسر در روز و شب ماه رمضان به‌طور کلی ممنوع بود. (قمی، ۱۳۶۷: ۱ / ۶۷) گروهی از مسلمانان به‌رغم این ممنوعیت، شب‌ها به آمیزش با همسر اقدام می‌کردند. آنها با شرمندگی این جریان را به اطلاع پیامبر اکرم ﷺ رساندند. از سوی دیگر، یکی از یاران آن حضرت که در حفر خندق شرکت داشت هنگام افطار به‌علت آماده نبودن غذا خوابش برد، وقتی بیدار شد غذایی نخورد و فردا را نیز روزه گرفت و به کندن خندق ادامه داد اما به‌علت ضعف شدید بیهوش گردید، آیه ۱۸۷ سوره بقره نازل شد (کلینی، ۱۴۲۹: ۷ / ۴۰۷) و با برداشتن ممنوعیت‌های یادشده، غذا خوردن و آشامیدن تا طلوع فجر و نیز آمیزش با همسر را در شب‌های ماه رمضان مجاز اعلام کرد؛ بخش نخست آیه چنین است: «أُحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَىٰ نِسَائِكُمْ هُنَّ لَبَاسُ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ؛ در شب روزه‌داری، هم‌بستری با زنانان بر شما حلال گردیده است؛ آنان لباسی برای شما و شما لباسی برای آنان هستید.» این تمثیل در حقیقت، حکمت برداشتن ممنوعیت رابطه زناشویی در شب‌های ماه رمضان را بیان نموده و با برخورداری از نهایت ایجاز، حامل معانی چند لایه و نکات تربیتی شگفت‌انگیزی است که رعایت آن در زندگی مشترک همسران، سعادت آفرین است.

### مفهوم‌شناسی واژه لباس

ماده «لبس» و مشتقات آن در ثلاثی مجرد دو گونه به‌کار رفته است:

الف) این ماده گاهی از باب «فعل - يفعل» (بر وزن عَلِمَ، يَعْلَمُ) به‌کار رفته که مصدر آن «لَبَسَ» به‌معنای پوشیدن است. همین ماده در ابواب ثلاثی مزید نیز مانند: «الْبِسْتُ الثَّوْبَ؛ او را لباس پوشاندم»، به‌کار رفته است.

ب) گاهی نیز از باب «فَعَلَ، يَفْعَلُ» (بر وزن ضَرَبَ يَضْرِبُ) به کار رفته که مصدر آن «لَبَسَ» به معنای خلط نمودن و آمیختن است. همین ماده در ابواب ثلاثی مزید مانند: «لَتَبَسَ عَلَيَّ الْأَمْرُ؛ آن کار بر من مشکل و مشتبه شد» به کار رفته است. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۶ / ۲۰۲؛ فیومی، ۱۴۱۴: ۲ / ۵۴۸) البته برخی بر آنند که درهم آمیختن و مشتبه ساختن از لوازم ستر و پوشاندن حقیقت به شمار می‌رود. از این رو، معنای اصلی این ماده، «ستر و پوشش» است. (عسکری، ۱۴۰۰: ۲۹۹؛ مصطفوی، ۱۳۶۰: ۵ / ۲۳۱)

البته کاربرد واژه لبس و مشتقات آن بسیار توسعه پیدا کرده و افزون بر پوشاندن مادی و معنوی، به کمک قرائن و شواهد در معانی فراوانی که در حقیقت از لوازم معنای اصلی است به کار رفته، مانند: استمتاع و بهره‌مندی (فیه مَلْبَسٌ؛ مُسْتَمْتَعٌ) معایشت و همزیستی (فَلَانٌ قَدْ لَبَسَ النَّاسَ؛ عاش معهم) معاشرت و هم‌نشینی (الْبَسَ النَّاسَ عَلَيَّ قَدْرَ أَخْلَاقِهِمْ؛ عاشرهم) تحمل و پذیرش (لَبَسْتُ فَلَانًا عَلَيَّ مَا فِیْهِ: اِحْتَمَلْتُهُ وَ قَبِلْتُهُ) (زمخشری، ۱۹۷۹: ۵۵۷) زره و هر وسیله دفاعی (اللبوس: الدرع و کل ما تحصنت به) (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۷ / ۲۶۳) که به نظر می‌آید از لوازم معنای ستر و پوشش باشند. برخی از واژه‌شناسان به جز مورد اخیر همه را کاربرد مجازی می‌دانند. (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴: ۸ / ۴۵۶)

به هر حال، واژه «لباس» که مصدر باب مفاعله است بر استمرار پوشش دلالت دارد و بر جامه و آنچه می‌پوشاند نیز اطلاق شده است، سپس در مواردی که تداعی‌کننده نوعی پوشش معنوی است، مانند: صفات نفسانی و حالات فراگیر نیز به کار رفته است.

### کاربرد «لباس» در قرآن کریم

در قرآن کریم نیز گاهی ماده «لبس» از باب «فَعَلَ، يَفْعَلُ» به کار رفته و از آن معنای پوشیدن اراده شده است، مانند: «وَلْيَلْبَسُوا ثِيَابًا خُضْرًا» (کهف / ۳۱) و لباس‌هایی سبز، از حریر نازک و ضخیم، می‌پوشند» و گاهی از باب «فَعَلَ، يَفْعَلُ» به کار رفته و معنای آمیختن و مشتبه ساختن اراده شده، مانند: «وَلَمْ يَلْبَسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ؛ (انعام / ۸۲) و ایمانشان را با ستم [= شرک] نیامیختند.» اما واژه «لباس» در قرآن کریم در موارد متنوعی به کار رفته است که عبارتند از:

۱. لباس مادی دنیوی که بدن آدمی و زشتی‌های آن را می‌پوشاند و نوعی زینت به شمار می‌آید.  
«يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوْآتِكُمْ وَ رِيشًا». (اعراف / ۲۶)
۲. لباس‌های نخستین حضرت آدم و حوا که پوششی فراگیر و طبیعی از جنس ناخن یا نور و نوعی تن‌پوش بهیستی بود یا اینکه مقصود لباس تقوا و پرهیزکاری است. (طبری، ۱۴۱۲: ۱۱۳ / ۱۱۳؛

طوسی، بی تا: ۴ / ۳۸۱) «يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا». (اعراف / ۲۷)

۳. صفات نفسانی و حالات معنوی مانند تقوا که انسان را فراگرفته باشد. «وَلِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذَٰلِكَ خَيْرٌ». (اعراف / ۲۶)

۴. گرسنگی و ناامنی فراگیر که گروهی از ناسپاسان را همچون پوششی از هر سو احاطه نمود. «فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ». (نحل / ۱۱۲)

۵. زن و شوهر که پوشش روانی - جنسی یکدیگرند. «هُنَّ لِبَاسٌ لَّكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَّهُنَّ». (بقره / ۱۸۷)

۶. شب که پوششی ظلمانی است و همه موجودات روی زمین را فرامی‌گیرد. «وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ اللَّيْلَ لِبَاسًا». (فرقان / ۴۷)

۷. لباس اخروی بهشتیان «وَلِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ». (فاطر / ۳۳)

بنابراین، واژه «لباس» در قرآن کریم بر مواردی مانند: تن‌پوش دنیوی و بهشتی، زوج، زوجه، گرسنگی و ناامنی فراگیر و شب اطلاق شده است و پوشش‌های دنیوی و اخروی - مادی و معنوی را شامل می‌شود. مفهوم «ستر و پوشش» در همه موارد یادشده به‌عنوان هسته معنایی متصور است، هرچند تنوع کاربردهای قرآنی این واژه، بیانگر استخدام شیوه‌های جذاب بیانی چون استعاره و تمثیل در راستای توسعه معانی و افزایش قابلیت حمل مفاهیم توسط واژه‌ها و عبارتهای کوتاه است.

### نکات ادبی و بلاغی در تمثیل «لباس»

در این بخش از پژوهش، صنایع ادبی و نکات بلاغی این تمثیل که بر رسایی، زیبایی و دلپذیری سخن افزوده است، بررسی می‌شود.

#### یک. شیوه بیانی

مفسران و اندیشمندان علوم قرآنی دیدگاه‌های متفاوتی در باره شیوه بیانی به‌کار گرفته شده در «هُنَّ لِبَاسٌ لَّكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَّهُنَّ» ابراز داشته‌اند:

۱. گروهی بر آنند این تعبیر دربردارنده تشبیه بسیار زیبا و دقیق است که در آن، بانوان و شوهران به لباس یکدیگر تشبیه شده‌اند؛ لباس، زینت، حفاظ و ساتر بدن است، همسران نیز زینت، حفاظ و پوشش همدیگرند. (ابن اثیر، ۱۴۲۰: ۲ / ۳۸۳؛ جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۹ / ۴۶۰)

۲. جمعی از مفسران کاربرد واژه «لباس» برای مرد و زن را نوعی استعاره می‌دانند. (ابوحیان اندلسی،

۱۴۲۰: ۲ / ۲۱۲؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲ / ۴۴) مقصود از استعاره، لفظی است که در معنایی شبیه معنای حقیقی اش به کار رفته باشد. (تفتازانی، بی تا: ۱۱۵) واژه «لباس» نیز که به معنای جامه است برای همسران استعاره گرفته شده؛ چراکه آنها همچون لباس، زینت و حفاظ یکدیگرند.

۳. برخی این بیان را تعبیری کنایی، ملیح و مؤدبانه می‌دانند که به ارتباط وثیق زناشویی و مسائل جنسی اشاره دارد. (کاشانی، ۱۳۳۶: ۱ / ۴۰؛ رازی، ۱۴۰۸: ۳ / ۵۱؛ صافی، ۱۴۱۸: ۲ / ۳۸) مقصود از کنایه آن است که معنای اراده شده، به صراحت ابراز نشود بلکه لفظی که بر یکی از لوازم آن دلالت دارد ذکر شود تا معنای مقصود رسانده شود. (مطلوب، ۱۴۱۴: ۵۶۸) در این جمله نیز هم‌پوشی و هم‌آغوشی همسران کنایه از مسائل جنسی آورده شده است.

**بررسی:** ظاهر «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَ أَنتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ» آن است که همسران به تن‌پوش هم‌دیگر تشبیه شده‌اند و محققان چنین مواردی را تشبیه به‌شمار می‌آورند؛ زیرا تفاوت تشبیه و استعاره آن است که در تشبیه، مشبه و مشبه‌به در کلام ذکر می‌شود، ولی در استعاره یکی از این دو رکن محذوف است. (زمخشری، ۱۴۰۷: ۱ / ۷۷؛ ابن‌اثیر، ۱۴۲۰: ۱ / ۳۴۴) در آیه مورد بحث نیز مشبه (همسران) و مشبه‌به (لباس) هر دو مذکور است و باید آن را «تشبیه بلیغ» به‌شمار آورد؛ چون ادات تشبیه و وجه شبه محذوف است و «این برترین نوع تشبیه است.» (تفتازانی، بی تا: ۱۵۲) چراکه از یک سو، حذف وجه شبه، عمومیت وجه شبه را می‌رساند و همسران را از هر جهت تن‌پوش یکدیگر ترسیم می‌کند و از سوی دیگر، با حذف ادات تشبیه، ادعا شده که همسران حقیقتاً جامه‌ای فراگیر برای یکدیگرند، به‌گونه‌ای که آدمی بدون داشتن همسر، عریان و بی‌حفاظ خواهد بود، از این‌رو، دو عامل فراگیری وجه شبه و تناسی تشبیه توأمان بر بلاغت سخن افزوده است. درضمن چنین تشبیهی «از نوآوری‌های قرآن کریم به‌شمار می‌رود.» (ابن‌عاشور، بی تا: ۲ / ۱۸۰) و از نوع «تمثیل» است (شبر، ۱۴۱۲: ۶۷؛ عاملی، ۱۴۱۳: ۱ / ۱۶۶) در تمثیل، معانی ذهنی و صفات نفسانی به صور حسی تشبیه می‌شوند تا مجسم و مشهود گردند. (معرفت، ۱۴۱۵: ۵ / ۳۵)

## دو. اخبار و انشاء

مفهوم «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَ أَنتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ» آن است که بانوان و شوهران پوشش و حفاظ یکدیگرند، ولی این بیان، اخبار محض نیست بلکه خبر به داعی انشاء است و همسران را موظف می‌سازد همچون لباس (آرامش‌گر و مصونیت‌بخش) برای یکدیگر باشند.

به بیان دیگر، مضمون مطابقی این جمله به جنبه تکوینی زندگی مشترک اشاره دارد که خدا در

آفرینشی حکیمانه زن و مرد را نیازمند به یکدیگر و مکمل هم قرار داده تا در محیطی سرشار از محبت و صمیمیت، نیازهای غریزی و معنوی یکدیگر را پوشش دهند و به آرامش برسند. از سوی دیگر، مدلول التزامی این سخن به جنبه تشریحی زندگی زناشویی و بیان وظایف اخلاقی و حقوقی زوجین اشاره دارد که آنها موظفند حافظ حقوق یکدیگر باشند و از سلامت خانواده مراقبت نمایند. (آصفی، ۱۳۸۵: ۷۰ - ۶۹)

### سه. ایجاز و ایفاء

مقصود از «ایجاز» در علم معانی آن است که سخن از نظر عبارت، کوتاه، اما از نظر معنا دارای فزونی و کثرت باشد، مشروط به آن که الفاظ اندک معنای بسیار را برساند. امام صادق علیه السلام نزدیک بودن سخن به معنای مقصود، دوری از الفاظ زاید، فهماندن مدلول زیاد با عبارتی کوتاه را موجب شیوایی و بلاغت سخن دانسته است. (حرانی، ۱۳۶۳: ۳۱۷) تمثیل قرآنی مورد بحث نیز از نظر ساختار لفظی در نهایت ایجاز است؛ زیرا هر یک از دو جمله‌اش، فقط از یک اسم ظاهر، دو ضمیر و یک حرف جر تشکیل شده و وجه شبه و ادات تشبیه نیز حذف گردیده است، اما از نظر محتوا، با توجه به لوازم معنای لباس و وجه شبه‌های متعددی که ذوق سلیم آنها را در می‌یابد، انبوهی از معانی را ایفا می‌نماید که در ادامه پژوهش با عنوان شاخصه‌های هم‌پوشی همسران خواهد آمد. افزون بر اینکه این تمثیل چهار تشبیه را ایفاء می‌نماید که دو مورد آن در عبارت با صراحت ذکر شده و دو مورد نیز از اشاره سخن استفاده می‌شود و بُعد دیگری از ایجاز را نمایان می‌سازد؛ «هُنَّ لِيَاسٌ لَكُمْ» صراحت دارد به اینکه بانو به منزله تن‌پوش شوهر است و اشاره دارد به این مطلب که شوهر چون تن برای آن تن‌پوش است. «وَأَنْتُمْ لِيَاسٌ لَهُنَّ» نیز صراحت دارد به اینکه شوهر به منزله تن‌پوش برای بانو است و اشاره دارد به این مطلب که بانو چون تن برای آن تن‌پوش است.

### چهار. آرایه عکس

مقصود از آرایه معنوی «عکس» در علم بدیع سخنی است که یک جزء آن مقدم و جزء دیگر آن مؤخر باشد و در ادامه سخن، مؤخر را پیش بدارد و مقدم را عقب اندازد. (تفتازانی، ۱۳۷۴: ۲۶۹؛ سیوطی ۱۴۲۱: ۲ / ۱۷۴) به بیان دیگر با تغییر جای همه یا بعضی از کلمات یک قرینه، قرینه دیگری بسازند تا معنا نیز مبدل و وارونه گردد و بر رونق و حسن کلام بیفزاید. (طاهرخانی، ۱۳۸۳: ۶۹ / ۶۹) در «هُنَّ لِيَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِيَاسٌ لَهُنَّ» نیز جایگاه ضمیر مؤنث و ضمیر مذکر در جمله اول، در ادامه کلام معکوس گردیده

است. این آرایه که با تکرار واژه محوری «لباس» بر جمال و ابهت بیان افزوده، فایده معنایی اش آن است که آموزه‌های مستنبط از این دو جمله برای همسران، متقابل و دوسویه می‌نماید.

### شناخته‌های اساسی «همپوشانی» در مورد همسران

با تدبر در مفردات و نظم و سیاق عبارت قرآنی «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ» و کاوش در دیدگاه‌های واژه‌شناسان و مفسران پیرامون آن، شاخص‌ها و ملاک‌هایی برای تحقق «همپوشانی» همسران استنباط می‌شود.

#### یک. ضرورت همسرگزینی

تمثیل لباس و تن‌پوش برای همسران دلالت دارد بر اینکه همسرگزینی و تشکیل خانواده در عرصه حیات انسانی یک نیاز طبیعی و ضرورتی انکارناپذیر به‌شمار می‌رود و همان‌گونه که تن‌پوش برای تن دوخته می‌شود و نیاز به تن‌پوش از نیازهای اساسی است، برای آدمی نیز همسری از جنس او آفریده شده که از نظر عاطفی، روانی و غریزی، نیازمند و وابسته به همدیگرند و بسیاری از نیازهای مشروع یکدیگر را تأمین می‌کنند، از این‌رو، گروهی از مفسران گفته‌اند: احتیاج شدید و نیاز مداوم، وجه شبه روشنی است که تشبیه مذکور گویای آن است. (گنابادی، ۱۴۰۸: ۱ / ۱۷۵؛ هاشمی رفسنجانی، ۱۳۷۹: ۱ / ۴۶۷) همین نیازمندی شدید همسران به یکدیگر و دشواری جدایی در مدت یک‌ماه، موجب شده ممنوعیت روابط زناشویی در شب‌های ماه رمضان برداشته شود.

#### دو. تناسب و کفویت بین همسران

کاربرد لباس در مورد همسران اقتضا دارد که تناسب و کفویت هنگام ازدواج مورد اهتمام باشد؛ چراکه آدمی به نوع لباس و رنگ، جنس، اندازه و دوخت آن دقت‌نظر دارد تا آنچه متناسب با اندام او و برآورنده است، برگزیند. در انتخاب شریک زندگی نیز که در طول عمر غالباً یک‌بار اتفاق می‌افتد، رعایت همگرایی‌ها و تناسب‌ها ضرورت دارد تا نقش دوسویه «همپوشانی روحی - روانی» به‌خوبی استیفا و ایفا گردد. از این‌رو، قرآن کریم برای تحقق کفویت ایمانی و اخلاقی تأکید می‌کند با مشرکان ازدواج نکنید تا ایمان آورند (بقره / ۲۲۱) و زنان پاک برای مردان پاکند و مردان پاک برای زنان پاکند. (نور / ۲۶) دلالت جمله اسمیه بر ثبوت نیز در تمثیل لباس اقتضا دارد همسران همواره از اصول اساسی کفویت محافظت نمایند تا همپوشانی دوسویه در عرصه زندگی مشترک از ثبات و تداوم برخوردار گردد و استواری نهاد خانواده تضمین گردد.



### سه. همزیستی محبت‌آمیز و معاشرت نیکو

تمثیل لباس اشاره دارد به اینکه همان‌گونه که تن‌پوش به تن ضمیمه و متصل می‌گردد، پیوند همسری نیز با همزیستی، معاشرت، اختلاط و ارتباط شدید و تنگاتنگ همسران توأم است. (بیضاوی، ۱۴۱۸: ۱ / ۱۲۶؛ مراغی، بی‌تا: ۲ / ۷۷؛ مقدس اردبیلی، بی‌تا: ۱۶۹) افزون بر اینکه این تمثیل به چگونگی معاشرت و همزیستی همسران نیز اشاره دارد، چراکه آدمی لباس را از شئون خود به‌شمار می‌آورد و نسبت به آن برخورد شایسته و عنایت کریمانه دارد به‌گونه‌ای که بی‌حرمتی به لباس را توهین به خود تلقی می‌کند، معاشرت با همسر، نیز باید نیکو و پسندیده و همزیستی آنها محبت‌آمیز باشد، از این‌رو تمثیل یادشده همسران را به معاشرت نیکو و ملاحظت‌دوسویه و توجه شایسته به زندگی مشترک تشویق و ترغیب می‌نماید. (موسوی سبزواری، ۱۴۰۹: ۳ / ۸۵) همان‌گونه که «وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (نساء / ۱۹) نیز اقتضا دارد تعامل و رفتارهای همسران با یکدیگر نیک و پسندیده باشد.

### چهار. همگرایی و اتحاد بین همسران

بخش‌های مختلف لباس، متناسب با بدن و هماهنگ با اندام‌ها است. لباس بدون هیچ فاصله و واسطه‌ای به بدن ملصق و به‌نوعی با آن متحد می‌گردد. کاربرد رابطه تن و تن‌پوش نیز در مورد همسران، تصویرگر نزدیک‌ترین، هماهنگ‌ترین، صمیمی‌ترین و محرمانه‌ترین رابطه‌ها است و مفاد چنین تمثیلی از همزیستی مسالمت‌آمیز و معاشرت پسندیده بسیار فراتر رفته، نوعی انسجام و هم‌گرایی و اتحاد و یگانگی بین همسران را در عرصه‌های مختلف زندگی مشترک می‌رساند، به‌گونه‌ای که در بین روابط انسانی، پیوند ازدواج و رابطه همسری بی‌بدیل می‌نماید، از این‌رو گفته شده این تمثیل اشاره دارد به اینکه ارتباط زوجیت یک نوع وحدت و یگانگی بین همسران تولید می‌نماید. (امین اصفهانی، ۱۳۶۱: ۲ / ۲۲۳) همان‌طور که «وَقَدْ أَفْضَىٰ بَعْضُكُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ» (نساء / ۲۱) از زیباترین بیان‌های کنایی در مورد مسائل جنسی است و بر اتصال جسمی و روحی دو همسر و اتحاد و وحدت شخصیت آنها در پرتو ازدواج تأکید دارد، به‌گونه‌ای که هر تعدی و ستمی بر همسر در حقیقت، تعدی و ستم بر خویش به‌شمار می‌آید. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۴ / ۲۵۸) جنبه اخلاقی و تربیتی این شاخصه بنیادین اقتضاء دارد، زوجین ضمن اجتناب از همه عوامل همسرگزیزی و همسرستیزی، نهایت تلاش خود را برای تقویت تفاهم و همگرایی و اتحاد و انسجام در عرصه حیات مشترک به‌کار گیرند و زمینه را برای دخالت بیگانه و ایجاد فاصله منتفی سازند.

### پنج. آرامش بخشی متقابل

بسیاری از مفسران برآنند این تمثیل بر این مطلب اشاره دارد که همان طور که پوشش، اضطراب و نگرانی را از انسان برهنه می‌زداید و به او آرامش می‌بخشد، همسران نیز موجب اطمینان خاطر و آرامش روح یکدیگرند. بنابراین، «آرامش بخشی» دوسویه از شاخصه‌های مهم «هم‌پوشانی» همسران است، چنان که آیه «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا» (روم / ۲۱) دلالت دارد بر اینکه آفرینش همسر برای دستیابی به سکینت و آرامش است. قابل توجه اینکه واژه لباس و پوشش فراگیر بر شب نیز اطلاق شده است. (نبأ / ۱۰) و آفرینش شب نیز برای آرامش بخشی است. (غافر / ۶۱) (ابن ابی‌حاتم، ۱۴۱۹: ۱ / ۳۱۶؛ طوسی، بی‌تا: ۲ / ۱۳۳؛ بغوی، ۱۴۲۰: ۱ / ۲۲۸؛ بغدادی، ۱۴۱۵: ۱ / ۱۱۶؛ جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۹ / ۴۶۰)

منشأ پیدایش آرامش همسران آن است که دستگاه تناسلی مرد و زن برای فرزندآوری، نیازمند و مکمل یکدیگرند. به‌خاطر همین کاستی و نیاز است که هر یک از آن دو به دیگری که برسد نیازش برآورده می‌شود و آرامش به‌دست می‌آید. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۶ / ۱۶۶) البته آرامشی که در پی ازدواج حاصل می‌شود فراتر از ارضای غریزه جنسی، به رفع نیازهای روحی و روانی نیز مرتبط است. «مرد و زن در ابعاد گوناگون مکمل وجود یکدیگرند و در پرتو ازدواج کمبودهای خود را برطرف و احساس کامل شدن می‌کنند.» (مدرسی، ۱۴۱۹: ۳ / ۵۱) و به آرامش می‌رسند. بنابراین یکی از شاخصه‌های مهم در تحقق عنوان هم‌پوشانی همسران، آرامش بخشی آنها است. اصل این آرامش به‌طور طبیعی در پرتو ازدواج حاصل می‌شود، اما زوجین موظفند با حسن ارضای نیازهای روانی و تمایلات طبیعی و با رفتارهای صمیمی، از آن حفاظت نموده و به آن تعمیق بخشند.

### شش. حمایت و دفاع متقابل

یکی از نعمت‌های خدا تن‌پوش‌هایی است که در برابر بسیاری از خطرهای آسیب‌هایی که به جسم آدمی صدمه می‌زند، وسیله حمایتی و دفاعی به‌شمار می‌رود. قرآن کریم می‌فرماید: «وَجَعَلَ لَكُمْ سَرَابِيلَ تَقِيكُمْ الْحَرَّ وَ سَرَابِيلَ تَقِيكُمْ بِأَسْكُمْ كَذَلِكَ يَتِمُّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» (نحل / ۸۱) برخی از مفسران در تمثیل لباس، همین ویژگی را وجه شبه قرار داده و گفته‌اند: همان‌طور که تن‌پوش شأن دفاع و حمایت برای بدن دارد همسران نیز در زندگی مشترک مدافع و حامی یکدیگرند. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۵: ۲۷) زندگی خانوادگی فرازها و فرودهای فراوان دارد؛ در کنار رفاه و آسایش، سلامتی، امنیت و آزادی، روزهای دشوار سالمندی، بیماری، گرفتاری و ورشکستگی وجود

دارد. همسران که از ذخایر الهی برای چنین شرایطی به‌شمار می‌آیند، باید با وفاداری و فداکاری، مدافع و حامی یکدیگر باشند و همان‌طور که از واژه‌های «لکم» و «لهن» در تمثیل مورد بحث نیز استفاده می‌شود زن و شوهر در مقام بهره‌رسانی و خدمت به یکدیگر باشند.

#### هفت. رازپوشی و آبروداری

مفهوم اصلی ماده «لبس» ستر و پوشش است. ویژگی اساسی لباس پوشاندن تن و اندام‌های آن و مستور ساختن کاستی‌ها، زشتی‌ها و اسرار بدن است. بدیهی است این شأن لباس، حفاظت از کرامت و آبروی آدمی را به‌دنبال دارد، آیه: «يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوْآتِكُمْ وَ رِيشًا» (اعراف / ۲۶) که در مقام امتنان بر بشر است، حکمت فرو فرستادن لباس برای بشر را پوشاندن شرمگاه‌ها و نیز زینت اعلام کرده است.

از سوی دیگر، همسران به‌لحاظ تماس نزدیک و مستمری که با هم دارند از اسرار و رازهای یکدیگر آگاه می‌شوند. فاش شدن عیوب زوجین و اسرار داخلی خانواده، عزت و کرامت آنها را مخدوش می‌سازد و آسیب‌پذیری این نهاد مقدس را در پی دارد. تمثیل لباس دلالت می‌کند به اینکه همان‌گونه که لباس سراسر بدن را می‌پوشاند و تمام عیوب و اسرار را حفظ می‌کند، همسران وظیفه دارند اسرار، آبرو و شخصیت یکدیگر را حفظ کنند و از بازگویی اختلاف‌ها، مشکلات خانوادگی و هر آنچه جایگاه نهاد خانواده را مخدوش می‌سازد و چه‌بسا زمینه دخالت بی‌جا در زندگی دیگران را فراهم آورد، خودداری ورزند. (ابوزهره، ۱۳۷۹: ۱۹۸)

#### هشت. زینت‌گری و آراستگی

یکی از ویژگی‌های «لباس» آن است که مایه زینت و جمال آدمی است، همان‌گونه که برهنگی موجب زشتی و شرمساری او است. واژه «زینت» در آیاتی مانند: (اعراف / ۳۲ - ۳۱) بر جامه‌ای که آدمی خود را با آن می‌آراید، اطلاق شده است. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۴ / ۶۳۷) از این‌رو، جمعی از مفسران برآنند که تمثیل مورد بحث اشاره دارد به اینکه همان‌گونه که لباس آرایه انسان است و به وی زینت می‌بخشد، زن و شوهر نیز مایه زینت و جمال یکدیگرند. (طیب، ۱۳۷۸: ۵ / ۳۰؛ حسینی شیرازی، ۱۴۲۳: ۴۰؛ معرفت، ۱۴۱۵: ۵ / ۳۳۷) چراکه زیبایی در تناسب و هماهنگی است و گزینش همسر هماهنگ با قانون زوجیت در نظام آفرینش است. جنبه تشریحی و تربیتی این شاخصه اقتضا دارد همسران به فضایل انسانی و اخلاق نیک و آداب پسندیده آراسته باشند تا برای یکدیگر زینت و مایه

مباهات به‌شمار روند، بدیهی است همسر منحرف، بد رفتار و آلوده، مایه سرافکنندگی و رسوایی است. بُعد دیگر زینت و تجمل، آراستگی ظاهری است که هر یک از همسران با رعایت نظافت، استفاده از بوی خوش، مرتب نمودن موهای سر و صورت و لباس زیبا بر اندام نمودن، حس زیبایی دوستی و جمال‌طلبی دیگری را اجابت نموده، نشاط، سرور و لذت را به او عطا نماید. چنین اقدامی به یقین یک عمل عبادی و دینی به‌شمار می‌رود و مورد تأکید پیشوایان معصوم علیهم‌السلام است. (کلینی، ۱۴۲۹: ۱۳ / ۱۱۲ - ۱۱۱) این مسئله در مورد زنان که به تعبیر قرآن کریم در فضای زیور و زینت رویش دارند؛ (زخرف / ۱۸) افزون بر یک وظیفه اخلاقی، در صورت درخواست شوهر جنبه حقوقی نیز به خود می‌گیرد، پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در مورد حقوق شوهر فرمود: بانو خود را به بهترین عطرش خوشبو نماید، نیکوترین لباسش را بپوشد، خود را به زیباترین زیورش بیاراید. (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۰ / ۱۵۷)

### نه. ضرورت رابطه زناشویی و تعادل در آن

با توجه به اینکه تمثیل قرآنی «هُنَّ لِيَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِيَاسٌ لَهُنَّ» حکمت رفع ممنوعیت از رابطه زناشویی در شب‌های ماه مبارک رمضان را بیان می‌کند، بارزترین جهت‌گیری معنایی این جمله در همین راستا است. جمعی از مفسران گفته‌اند: چنین بیانی اشاره دارد به اینکه همان‌طور که لباس به بدن متصل است و بدن نیز مشتمل بر لباس است، در هنگام کامجویی نیز زن و شوهر رابطه نزدیک و بسیار تنگاتنگ با هم دارند چون پوششی فراگیر یکدیگر را دربر می‌گیرند. (بیضاوی، ۱۴۱۸: ۱ / ۱۲۶؛ بلاغی نجفی، ۱۴۲۰: ۱ / ۱۶۲) به‌نظر می‌رسد چنین تشبیهی فراتر از ترسیم فیزیکی تماس جنسی، نمادی است که ارتباط و اتصال همه جانبه بدنی، عاطفی و روانی را ترسیم می‌نماید.

این تمثیل در مورد همسران اولاً حاکی از وجود غریزه و میل جنسی در همه انسان‌ها اعم از مرد و زن است. ثانیاً بر ضرورت اعمال میل جنسی و هم‌پوشی غریزی در چارچوب نظام خانواده تأکید دارد. ثالثاً دو جمله همگون و متقابل در این تمثیل، تداعی‌گر ضرورت تعادل در رفتارها و ارتباط‌های همسران به‌ویژه در مسائل جنسی است تا ضمن رعایت حق بانو و شوهر، احساس کامیابی و رضایتمندی دو جانبه حاصل شود؛ یعنی همان‌گونه که «هُنَّ لِيَاسٌ لَكُمْ» اشاره دارد شوهر از حق استمتاع به‌طور متعارف برخوردار است و بانو باید نیازهای جنسی شوهرش را پوشش دهد، «وَأَنْتُمْ لِيَاسٌ لَهُنَّ» نیز اشاره دارد چنین حقی به‌طور متعارف برای بانو ثابت است و مرد باید نیازهای جنسی همسرش را پوشش دهد. تدبر در این گونه آیات، برخی نگرش‌ها مبنی بر تفاوت اساسی بین حقوق جنسی زن و شوهر را متحول می‌گرداند. البته بررسی فقهی و نهایی این نکته فراتر از حوصله این پژوهش است.

#### ده. اختصاصی بودن همسر (تعهد عاطفی و جنسی)

یکی از شاخصه‌های «هم‌پوشی» در مورد زوجین، «اختصاصی بودن» همسر و به بیان دیگر «تعهد عاطفی و جنسی» است، بدین معنا که روابط زناشویی و دلبستگی جنسی، ویژه همسر شرعی است. برخی از مفسران بر آنند که این نکته از وجه شبه در تمثیل لباس مستفاد است؛ زیرا «همان‌طور که لباس از لوازم شخصی و اختصاصی آدمی است و هر فردی لباس خودش را ویژه خود می‌داند وضعیت همسران نیز همین گونه است.» (رازی، ۱۴۲۰: ۵ / ۲۷) «حریم همسری» حرمت و قداست دارد و ضرورت دارد همگان از جمله خود زوجین، این حریم خصوصی را پاس دارند و از خیانت به یکدیگر و طمع به بیگانه خودداری ورزند. قرآن کریم افرادی را که به نامحرم طمع می‌ورزند، بیمار دل معرفی نموده، (احزاب / ۳۲) تأکید دارد همسرانی گزینش شوند که پاکدامن باشند؛ نه اهل فحشا و دوستی‌های پنهانی. (نساء / ۲۵؛ مائده / ۵)

#### یازده. خلوت‌گزینی در روابط زناشویی

کاربرد «لباس» برای همسران با توجه به جمله قبلی که رابطه با همسر را در شب‌های ماه رمضان تجویز می‌کند، از لطافت بیشتری برخوردار می‌شود، چراکه آدمی با پوشیدن لباس، بدن و اندام‌های خود را از دیگران می‌پوشاند، اما لباس از بدن و اندام‌ها پوشیده نیست، همسران نیز این گونه‌اند که یکدیگر را از رفت و تماس جنسی با بیگانه حفظ می‌کنند، اما در خلوت خودشان رفت و تماس برقرار است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲ / ۴۵) این نکته اشاره دارد همسران نیازهای غریزی همدیگر را در فضایی پوشیده و به دور از انظار دیگران تأمین کنند تا حریم‌ها و حرمت‌ها در خانواده و جامعه مخدوش نگردد. برخی از مفسران کاربرد لباس در مورد همسران را به‌خاطر همین آموزه اخلاقی و تربیتی می‌دانند. (طبری، ۱۴۱۲: ۲ / ۹۵؛ شوکانی، ۱۴۱۴: ۱ / ۲۱) همان‌طور که تعبیر «دَخَلْتُمْ بِهِنَّ» (نساء / ۲۳) که مدلول مطابقتی‌اش رفتن با همسر به مکان خلوت و پوشیده است، نیز بیان بسیار مؤدبانه و کنایی از ارتباط زناشویی در خلوت است. (طبرسی، ۱۳۷۷: ۱ / ۲۴۸)

#### دوازده. صیانت یکدیگر از آسیب‌های معنوی و اخلاقی

یکی از شاخصه‌های مهم «هم‌پوشانی» همسران، صیانت یکدیگر از فساد و انحراف‌های اخلاقی است. آنها با تأمین نیازهای غریزی و عاطفی، یکدیگر را از کامجویی حرام بی‌نیاز و از آلودگی‌های اخلاقی و فحشا حفظ می‌نمایند و بدین‌گونه از شیوع مفاسد در جامعه اسلامی نیز پیشگیری می‌کنند.

از سوی دیگر، همسرگزینی و مسئولیت تأمین معاش و تربیت اولاد، انسان را به استفاده بهینه از عمر وامی‌دارد و زمینه بسیاری از گناهان دیگر را از بین می‌برد. افزون بر اینکه «کنترل مستقیم هر یک از زوجین بر رفتارهای طرف مقابل، به‌ویژه رفتارهای جنسی خارج از چارچوب ازدواج، در بسیاری از فرهنگ‌های گذشته و حال به چشم می‌خورد» (پسندیده، ۱۳۹۰: ۶۶) از این‌رو، نقش همسران در سلامت اخلاقی و معنوی یکدیگر نیز بی‌بدیل است و از این جهت هیچ عامل دیگری جایگزین ازدواج نمی‌شود. (تهرانی، ۱۴۲۱: ۱ / ۱۹۱)

بر این اساس، مفسران گفته‌اند همسران از آن جهت لباس یکدیگرند که نقش مراقبتی دارند و یکدیگر را از انحراف و فجور باز می‌دارند. (بیضاوی، ۱۴۱۸: ۱ / ۱۲۶؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۲ / ۲۵۲؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲ / ۴۵) از این‌رو، مهم‌ترین بهره‌ای که از ازدواج نصیب همسران می‌شود صیانت گوهر دین از غارت ابلیس و چپاول هوس است. (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۹ / ۴۶۰) زوج و زوجه را نیز «محصن» و «محصنه» نامیده‌اند؛ زیرا این پیوند مبارک همچون قلعه و دژی استوار، از عفاف و پاکدامنی همسران حفاظت می‌نماید و آنان را از ارتکاب قبیح باز می‌دارد. (قاسمی، ۱۴۱۸: ۲ / ۴۲) در حدیث شریف نبوی نیز نقل شده: «کسی که همسر اختیار کند نیمی از دین خود را به‌دست آورده» (کلینی، ۱۴۲۹: ۱۰ / ۵۸۲) از جنبه تشریحی و تربیتی این شاخصه اقتضا دارد همسران به سلامت فکری و طهارت اخلاقی یکدیگر اهتمام ورزند و یکدیگر را از آلودگی‌ها و انحراف‌هایی که آتش دوزخ را در پی دارد، حفظ نمایند. «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَارًا». (تحریم / ۶)

#### سیزده. استقلال شخصیت زن و مرد

از تمثیل مورد بحث، این شاخصه بنیادین استفاده می‌شود که در پرتو ازدواج، استقلال شخصیت همسران نیز به قوت خود باقی است؛ چراکه در «هُنَّ لِيَاسٌ لَكُمْ» شخصیت مرد محور و در حکم «تن» قرار گرفته و زن «تن پوش» او به‌شمار رفته و در «وَ أَنْتُمْ لِيَاسٌ لَهُنَّ» شخصیت زن محور و در حکم «تن» قرار گرفته و مرد «تن پوش» او به‌شمار رفته است. این بیان دوسویه اشعار دارد به اینکه استقلال شخصیت روحی، روانی، حقیقی و حقوقی هر یک از همسران پس از ازدواج نیز محفوظ است و مبنا و خاستگاه حقوق و مسئولیت‌ها و احکام فقهی و حقوقی در شریعت اسلامی است. بنابراین، دیدگاه‌هایی که با نگاه مردسالارانه یا زن‌سالارانه در روابط همسری، شأن انسانی و استقلال شخصیت طرف مقابل را نادیده می‌انگارد با این‌گونه آیات سنخیتی ندارد.

یادآور می‌شود که گاهی همسران به‌گونه‌ای در نقش خانوادگی خود فرو می‌روند که از نیازهای

اساسی خود غافل می‌گردند؛ درحالی‌که هر دو باید بدانند زمانی یک کانون فعال و پویا خواهند داشت که هویت شخصی آنها به‌طور کامل حفظ شود و آنها افزون بر اهتمام شدید به ایفای نقش خانوادگی خویش، تأمین نیازها و خواست‌های خود را نیز جزو عوامل تحکیم و تعالی‌بخش خانواده قلمداد کنند؛ کسب عبادت، کسب کمالات معنوی اجتماعی، سلامتی جسمانی و روانی، داشتن روابط دوستانه و اجتماعی در حد لزوم، تفریح، ورزش، سفر و ارتباط منطقی با خانواده و نزدیکان باید به‌طور منظم وجود داشته باشد. (سلطان محمدی، ۱۳۹۱: ۲ / ۱۱۱۸)

#### چهارده. ارتقاء شخصیت معنوی و روانی همسران

ابعاد مهمی از استعدادها و کمالات آدمیان در پرتو ازدواج و بهره‌مندی از خدمات همسران که تن‌پوش‌های غریزی، روانی و معنوی‌اند، شکوفا می‌شود؛ ازدواج حس مسئولیت‌پذیری را بارور می‌سازد، در برابر دشواری‌ها به انسان شکیبایی می‌بخشد، شور و نشاط را شکوفا می‌سازد و به‌طور کلی شخصیت همسران در پرتو ازدواج رشد یافته و ارتقا می‌یابد. بنابر این، مرد و زن در ابعاد گوناگون مکمل وجود یکدیگرند و در پرتو ازدواج کمبودهای خود را برطرف و احساس کامل شدن می‌کنند. (مدرسی، ۱۴۱۹: ۳ / ۵۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۶ / ۳۹۲) از این‌رو، مستفاد از تمثیل قرآنی مورد بحث که زوجین را «تن‌پوش» یکدیگر معرفی می‌نماید آن است که همسران در ابعاد مختلف تکمیل‌کننده یکدیگرند.

#### پانزده. التزام به متقابل بودن حقوق و وظایف

یکی از شاخصه‌های بنیادین در روابط همسران، التزام عملی به اصل «متقابل بودن حقوق و تکالیف» است؛ صریح «هُنَّ لِيَاسٌ لَكُمْ» دلالت دارد اولاً بانوان نقش و مسئولیت لباس بودن را بر عهده دارند. ثانیاً با توجه به حرف «لام» که بر انتفاع دلالت دارد، ایفای این نقش توسط آنان به جهت انتفاع شوهرانشان و خدمت به آنها بوده و از حقوق مردان به‌شمار می‌رود، همان‌طور که صریح «وَأَنْتُمْ لِيَاسٌ لَهُنَّ» دلالت دارد اولاً شوهران نیز در مقابل، نقش و مسئولیت لباس بودن را بر عهده دارند. ثانیاً ایفای این نقش توسط آنان به جهت انتفاع همسرانشان بوده و جزء حقوق بانوان است. بر این اساس، اصل متقابل بودن وظایف، حقوق و خدمات بین زن و شوهر از آیه استنباط می‌شود.

#### شانزده. اصل تساوی حقوق زن و شوهر

تعبیر قرآنی «هُنَّ لِيَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِيَاسٌ لَهُنَّ» نهایت ارتباط معنوی مرد و زن و نیز مساوات آنها را در

این زمینه به‌طور کامل روشن می‌سازد؛ زیرا همان تعبیر که در باره مردان آمده، بدون هیچ تغییر درباره زنان نیز آمده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱ / ۶۵۰)؛ بلکه «از این آیه استفاده می‌شود زن و مرد در تمام شئون زندگانی مساوی‌اند مگر آنچه به مرد یا زن اختصاص داده شده است.» (امین اصفهانی، ۱۳۶۱: ۲ / ۲۲۲) همان‌گونه که از جمله: «وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ؛ (بقره / ۲۲۸) و برای آن [زن] ان [حقوق] پسندیده قرار داده شده، همانند آنچه ان [وظایفی] که به عهده آنان است» نیز استظهار شده که فراتر از دلالت بر اصل متقابل بودن حقوق و وظائف زن و شوهر، در مقام تحدید و تعیین بوده، بیانگر اصل تساوی و برابری حقوق و وظایف متقابل همسران است مگر مواردی که در شریعت اسلامی به زن یا شوهر اختصاص یافته است. (فضل الله، ۱۴۱۹: ۴ / ۲۸۴؛ موسوی سبزواری، ۱۴۰۹: ۴ / ۱۰) از این‌رو، یکی از شاخصه‌های «هم‌پوشانی»، مساوات و برابری حقوق و وظایف متقابل همسران است به جز مواردی که با دلیل معتبر تفاوت اثبات شود. البته در چنین مواردی نیز پاره‌ای تفاوت‌ها بیانگر نابرابری و تبعیض جنسیتی نیست.

### نتیجه

۱. «هُنَّ لِيَاسٌ لَكُمْ وَ أَنْتُمْ لِيَاسٌ لَهُنَّ» یکی از آموزه‌های راهبردی قرآنی در مورد مسائل خانوادگی است که با برخورداری از ایجاز بیانی و وسعت معنایی، در قالب تمثیلی ساده اما بسی ژرف، دربردارنده یکی از شیواترین و لطیف‌ترین تشبیهات است. با تأمل در جنبه‌های لفظی و معنوی این دو جمله وحیانی، کلیاتی از فضائل انسانی، آموزه‌های اخلاقی و حقوقی در مورد روابط همسری قابل استنباط است. این بیان نورانی منطق و فلسفه زندگی مشترک و مینا برای بسیاری از احکام و حقوق خانواده از قبیل ضرورت همسرگزینی و تشکیل خانواده، سبک انسانی - اسلامی زندگی مشترک و متقابل بودن حقوق و وظایف است.
۲. با بررسی موارد کاربرد واژه لیس و مشتقات آن اثبات شد این ماده ظرفیت تحمل مفاهیم متعددی، مانند: ستر و پوشش فراگیر، حفاظت و مراقبت، اختلاط و ارتباط، همزیستی و معاشرت، تحصن، انضمام، اتصال، اشتغال، استمتاع و بهره‌مندی، تحمل و پذیرش و آرامش را دارد.
۳. تمثیل نسبت تن و تن‌پوش برای رابطه همسران تصویرگر «نزدیک‌ترین، هماهنگ‌ترین، صمیمی‌ترین و محرمانه‌ترین» ارتباط و تداعی‌گر «شدت نیاز و وابستگی» دوسویه همسران در ابعاد مختلف غریزی، عاطفی و روحی است. مفاد چنین بیانی، از «معاشرت پسندیده» و «همزیستی مسالمت‌آمیز» بسیار فراتر رفته، نوعی «انسجام» و «اتحاد» در عرصه‌های مختلف



زندگی مشترک را می‌رساند، به‌گونه‌ای که در بین روابط انسانی، پیوند ازدواج و رابطه همسری بی‌بدیل می‌نماید.

۴. با دقت در مفهوم قرآنی لباس و تدبیر در مفردات، نظم و سیاق این تمثیل، استقلال شخصیت زوجین، متقابل بودن حقوق و وظایف آن‌ها، اصل مساوات، معاشرت نیکو، اتحاد و یگانگی، آرامش‌بخشی، تعادل در رفتار جنسی، تعهد عاطفی و جنسی، آراستگی و زیانمایی، رازپوشی و آبروداری، حمایت و دفاع، تمتع و بهره‌رسانی، امنیت خاطر و آرامش‌بخشی، صیانت و مراقبت به‌عنوان مهم‌ترین شاخصه‌های الگوی رابطه همسری استنباط و ارائه گردید.

۵. با استخراج و تبیین صنایع ادبی و نکات بلاغی این تمثیل موجز و بلیغ که متشکل از تک واژه محوری «لباس» است و از سوی دیگر، با تحلیل گستره معنایی و کثرت آموزه‌های راهبردی مستفاد از آن، نمونه‌ای از اعجاز بلاغی - بیانی قرآن کریم نیز اثبات می‌گردد.

## منابع و مأخذ

### - قرآن کریم.

- آصفی، محمد مهدی، ۱۳۸۵، میثاق، ترجمه حسین خادمی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

- ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، ۱۴۱۹ ق، تفسیر القرآن العظیم، ریاض، مکتبه نزار مصطفی الباز.

- ابن اثیر، نصرالله بن محمد، ۱۴۲۰ ق، المثل السائر، بیروت، المکتبه العصریه.

- ابن عاشور، محمد طاهر، بی تا، التحریر و التنویر، بی جا.

- ابن فارس، احمد بن فارس، ۱۴۰۴ ق، معجم مقاییس اللغة، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.

- ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ ق، لسان العرب، بیروت، دار صادر.

- ابوحیان اندلسی، محمد بن یوسف، ۱۴۲۰ ق، البحر المحیط فی التفسیر، بیروت، دار الفکر.

- ابوزهره، محمد و محمود ذبیحی، ۱۳۷۹، معجزه بزرگ پژوهشی در علوم قرآنی، مشهد، آستان

قدس رضوی.

- امین اصفهانی، سیده نصرت، ۱۳۶۱، مخزن العرفان در تفسیر قرآن، تهران، نهضت زنان مسلمان.

- بغدادی، علاءالدین علی بن محمد، ۱۴۱۵ ق، لباب التأویل فی معانی التنزیل، بیروت، دار الکتب العلمیه.

- بغوی، حسین بن مسعود، ۱۴۲۰ ق، معالم التنزیل فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

- بلاغی نجفی، محمدجواد، ۱۴۲۰ ق، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، قم، بنیاد بعثت.

- ۴۲ □ فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات تفسیری، س ۷، پاییز ۹۵، ش ۲۷
- بیضاوی، عبدالله بن عمر، ۱۴۱۸ ق، *أنوار التنزیل و أسرار التأویل*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- پسندیده، عباس، ۱۳۹۰، *رضایت زناشویی*، تهران، سازمان بهزیستی.
- تفتازانی، سعدالدین مسعود بن عمر، بی تا، *مختصر المعانی*، تهران، چاپخانه مصباحی.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۵، *تسنیم*، قم، اسراء.
- حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ ق، *تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة*، قم، مؤسسه آل‌البیت علیه السلام.
- حرانی، حسن بن علی بن شعبه، ۱۴۰۴ ق، *تحف العقول*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- حسینی تهرانی، سید محمدحسین، ۱۴۲۱ ق، *ولایت فقیه در حکومت اسلام*، مشهد، انتشارات علامه طباطبائی.
- حسینی زبیدی، محمد مرتضی، ۱۴۱۴ ق، *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت، دار الفکر.
- حسینی شیرازی، سید محمد، ۱۴۲۳ ق، *تبیین القرآن*، بیروت، دار العلوم.
- رازی، ابوالفتح حسین بن علی، ۱۴۰۸ ق، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- رازی، فخرالدین محمد بن عمر، ۱۴۲۰ ق، *مفاتیح الغیب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج ۳.
- زمخشری، جارالله محمود بن عمر، ۱۴۰۷ ق، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل*، بیروت، دار الكتاب العربی.
- \_\_\_\_\_، ۱۹۷۹ م، *أساس البلاغة*، بیروت، دار صادر.
- سلطان محمدی، فاطمه، ۱۳۹۱، «باز خوانی اصول و مبانی لازم در تحکیم بنیان خانواده با رویکردی بر آموزه‌های قرآنی»، *کتاب اندیشه‌های راهبردی زن و خانواده* ج ۲، تهران، پیام عدالت.
- سیوطی، جلال‌الدین، ۱۴۲۱ ق، *الإتقان فی علوم القرآن*، بیروت، دار الكتاب العربی.
- شبر، سید عبدالله، ۱۴۰۷ ق، *الجواهر الثمین فی تفسیر الكتاب المبین*، کویت، مکتبة الألفین.
- \_\_\_\_\_، ۱۴۱۲ ق، *تفسیر القرآن الکریم*، بیروت، دار البلاغه.
- شوکانی، محمد بن علی، ۱۴۱۴ ق، *فتح القدر*، دمشق، بیروت، دار ابن کثیر و دار الکلم الطیب.
- صافی، محمود، ۱۴۱۸ ق، *الجدول فی اعراب القرآن*، دمشق و بیروت، دار الرشید و مؤسسه الإيمان، ج ۴.
- طاهرخانی، جوادی، ۱۳۸۳، *بلاغت و فواصل قرآن*، تهران، جهاد دانشگاهی.

- طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۴۱۷ ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، *مجمع البیان للعلوم القرآن*، تهران، ناصر خسرو.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۷۷، *تفسیر جوامع الجامع*، تهران و قم، دانشگاه تهران و مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
- طبری، محمد بن جریر، ۱۴۱۲ ق، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار المعرفه.
- طوسی، محمد بن حسن، بی تا، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- طیب، سید عبدالحسین، ۱۳۷۸، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، انتشارات اسلام، چ ۲.
- عاملی، علی بن حسین، ۱۴۱۳ ق، *الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز*، قم، دار القرآن الکریم.
- عسکری، حسن بن عبدالله، ۱۴۰۰ ق، *الفروق فی اللغة*، بیروت، دار الآفاق الجدیدة.
- فاضل مقداد، جمال‌الدین مقداد بن عبدالله، ۱۴۱۹ ق، *کنز العرفان فی فقه القرآن*، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد ۱۴۱۰ ق، *کتاب العین*، قم، هجرت، چ ۲.
- فضل‌الله، سید محمدحسین، ۱۴۱۹ ق، *تفسیر من وحی القرآن*، بیروت، دار الملائک، چ ۲.
- فیض کاشانی، محمدمحسن، ۱۴۱۵ ق، *تفسیر الصافی*، تهران، صدر، چ ۲.
- فیومی، احمد بن محمد، ۱۴۱۴ ق، *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر*، قم، دار الهجرة، چ ۲.
- قاسمی، محمدجمال‌الدین، ۱۴۱۸ ق، *محاسن التاویل*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا، ۱۳۶۸، *تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- قمی، علی بن ابراهیم، ۱۳۶۷، *تفسیر قمی*، قم، دار الکتب، چ ۴.
- کاشانی، فتح‌الله، ۱۳۳۶، *تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین*، تهران، کتابفروشی علمی.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۲۹ ق، *الکافی*، قم، دار الحدیث.
- گنابادی، سلطان محمد، ۱۴۰۸ ق، *تفسیر بیان السعادة فی مقامات العبادة*، بیروت، مؤسسة الأعلمی.
- مدرسی، سید محمدتقی، ۱۴۱۹ ق، *من هدی القرآن*، تهران، دار محبب الحسین علیه السلام.
- مراغی، احمد بن مصطفی، بی تا، *تفسیر المراغی*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- مصطفوی، حسن، ۱۳۶۰، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مطلوب، احمد، ۱۴۱۴ ق، *معجم المصطلحات البلاغیه و تطورها*، بیروت، مکتبه لبنان.

- ۴۴ □ فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات تفسیری، س ۷، پاییز ۹۵، ش ۲۷
- معرفت، محمدهادی، ۱۴۱۵ ق، *التمهید فی علوم القرآن*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
  - مقدس اردبیلی، احمد بن محمد، بی تا، *زبدة البیان فی أحكام القرآن*، تهران، کتابفروشی مرتضوی.
  - مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۴، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الإسلامیة.
  - مکارم شیرازی، ناصر، ۱۴۲۵ ق، *أنوار الفقاهة*، قم، مدرسة الإمام علی بن ابی طالب علیه السلام.
  - موسوی سبزواری، سید عبدالاعلی، ۱۴۰۹ ق، *مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن*، بیروت، مؤسسه اهل بیت علیهم السلام.
  - هاشمی رفسنجانی، اکبر، ۱۳۷۹، *تفسیر راهنما*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ج ۳.